

مصایب لیلا و برادرانش

سعید روستایی سن و سالی ندارد اما مثل فیلمسازان دهه چهل و پنجاه ایران می‌ماند که بیان معضلات اجتماعی و نیش و کنایه‌های سیاسی بخشی از دغدغه‌های سینمای‌شان بود. از همه بیشتر هم شبیه [مسعود کیمیایی](#) است که بلد بود در آن سالها چطور داستان‌ش را به خوبی تصویر کند، فضا را به خدمت روایت بگیرد و بازی‌های خوبی از بازیگرانش بگیرد. البته این شباهتها باعث نشده تا این فیلمساز مطرح سال‌های اخیر زیر سایه فیلمساز دیگری بماند و کپی فیلمساز دیگری بشود.

او بهتر از خیلی‌ها می‌تواند دوربین‌ش را وارد صحنه‌های پرجمعیت بکند و به خوبی فضا را بسازد. قادر است مکان و جغرافیا را بخشی از اثر سینمایش کند. حرفه‌ای توی دهان شخصیت‌هایش بگذارد که در عین نزدیکی به دیالوگ‌های شعاری، از فیلم بیرون نزنند. یا اگر می‌زنند بیننده عادی و غیرمنتقد متوجه این بیرون‌زدگی نشود و از شنیدنش حس بدی پیدا نکند. شاید همه اینها باعث شده تا از زمان نمایش اولین فیلم بلندش (ابد و یکروز) تماشاگران پیگیر زیادی داشته باشد. تماشاگرانی که بدون شك حاضر بودند در سالن سینما، آن‌هم پس از پرداخت هزینه تهیه بلیت یا ایستادن در صف‌های طولی به تماشای فیلم [\(برادران لیلا\)](#) بنشینند.

با این حساب برادران لیلا حتی اگر به گفته تعداد معدودی از منتقدین فیلم بدی باشد برای صنعت سینمای ایران فیلم بدی نبود. بدون شك پول کرایه تاکسی و آب و تنقلات خریداری شده توسط بینندگان چندین برابر پول بلیت فیلم‌های سفارشی دولتی می‌شد که وقت ساختش بیشتر از خواست بیننده به رضایت مدیران و تصمیم‌گیران سینمای دولتی فکر شده است.

سینمایی که تصمیم‌گیرانش همیشه خود را برتر از تماشاگران و فیلمسازان و دست‌اندرکاران سینما می‌دانند. تصمیم‌گیرانی که برای‌شان پر بودن سالن‌های سینما اهمیت چندانی ندارد و خالی بودن آنها باعث ناراحتی و نگرانی‌شان نمی‌شود. تصمیم‌گیرانی که برخی‌شان قادر به دیدن دیش‌های بالای پشت‌بام‌ها نیستند و رقباتی سرسخت سینمای ایران را عددی نمی‌دانند (شاید به خاطر اینکه اگر سینماها تعطیل هم شوند برای‌شان مهم نیست) به همین دلیل از کنار فیلم‌ها و فیلمسازان تاثیرگذار (به لحاظ ارتباط با مخاطبین) به سادگی می‌گذرند. گذشتی که گاه باعث می‌شود فیلمساز آتش به مال یا بهتر بگویم کالای هنری‌اش

بزنند. همچون سعید روستایی وقتی فیلمش در شبکه‌های غیرمجاز دست به دست می‌شود (آن‌هم قبل از اکران عمومی) از مردم بابت تماشای فیلمش تشکر کند. فیلمی که میلیون‌ها نفر با لذت آن را دیده‌اند و تماشای آن را به دیگران توصیه کرده‌اند.

در اینکه بخشی از این تماشاگران برادران لیلا را به دلیل زیر متن‌های خود ساخته یا بیرون از فیلم پسندیده‌اند شکي نیست. اما این اتفاق حاشیه‌ای مثل بقیه حاشیه‌های فیلم (نظرات مسوولان دولتی، نمایش برون‌مرزی فیلم، اتفاقات و حرف‌ها و عکس‌های عوامل فیلم در جشنواره برلین، دیدگاه‌های متفاوت منتقدین فیلم دولتی، مخالف و مستقل و...) در جای دیگری قابل درنگ و واکاوی است. جایی که قرار است دریابیم چطور شد که به اینجا رسیدیم و چگونه می‌توانیم سینمای ایران را به مسیر درستش برگردانیم.

*حسن لطفی/ مدرس فیلمنامه نویسی و منتقد سینما